

رنگ باختن ژست‌های صورتی در برابر بلوغ زنان ایران

قاپبه زنان و دختران کشورمان در فتنه اخیر نه فقط گول شعارها و ژست‌های صورتی دشمن را نخوردند

بلکه همچون همیشه در مقابل‌شان ایستادگی کردند



محرم‌الدین باقری

گزارش یک زهرآچیزی

برای تمامی جامعه‌باشد؛موتور محرکی که کار آمدی‌اش لزوما نیازمند حضور بیرونی و برجسته‌نیست بلکه می‌تواند در بطن و متن خانواده و جامعه نقش آفرینی کند و جامعه را به حرکت در مسیر درست وا دارد؛ اتفاقی که در فتنه اخیر هم به نوعی شاهد آن بودیم.

■ ■ ■

در حماسه بی نظیر ۲۲ماه، زنان و دختران این سرزمین هم با هر نگاه و سلیقه‌ای زیر یک پرچم یعنی پرچم سه رنگ ایران زمین به میدان آمدند تا نشان دهند زن مسلمان ایرانی موقعیت‌شناس و دشمن‌شناس است و این بار هم مانند همیشه در بزنگاهی سخت در طرف درست تاریخ ایستاده است تا همچنان سرفراز باقی بماند. فتنه دی ماه امسال شاید یکی از جدی‌ترین و بر نامه‌ریزی‌شده‌ترین فتنه‌هایی باشد که طی سال‌های اخیر از سوی دشمنان این مرز و بسوم طراحی و برای تکه‌تکه کردن وحدت ملت ایران اجرایی شده؛ فتنه‌ای در امتداد جنگ ۱۲روزه تحمیلی اسرائیل بر کشورمان تا بتوانند از خاکسترت شکست مفتضاحانه از مردم ایران این بار از مسیری دیگر وارد شوند و مقاصدشان را در پاره‌پاره کردن وطن و بلعیدن ایران به سرانجام برسانند، اما این بار هم اسلحام و یکپارچگی مردم موجب شد نتوانند به مقصودشان دست یابند.

تکته جالب توجه فتنه اخیر ناامیدی دشمن از استفاده ابزاری از زنان و دختران برای پیشبرد اهداف شوم‌شان بود، هر چند در میان آشوبگران، اغتشاشگران و حتی لیدرهای آنان زنان و دختران جوان هم دیده می‌شدند اما این بار مانند جنبش «زن، زندگی، آزادی» محور این اغتشاش‌ها و دختران و موضوعات مرتبط با آنان نبوده؛ موضوعی که می‌توان آن را از ابعاد مختلف مورد بررسی قرار داد.

■ شکست جریان «زن، زندگی، آزادی»

گرانی بنزین و اجرای طرح حذف ارز ترجیحی از اقلام ضروری سبب خانوار هزینه‌های سنگینی را به یکباره روی دوش مردم گذاشت و موجب شد آنها نسبت به گرانی‌های افسار گسیخته معترض شوند؛ اعتراضاتی که انتظار می‌رفت دولت و شخص رئیس‌جمهور در گفت‌وگوی مستقیم با مردم به آنها پاسخ دهند و مردم را قانع کنند، اما تأخیر در این گفت‌وگوی مستقیم موجب شد امریکا و رژیم‌صهیونیستی فضا را برای اجرای مرحله‌ای دیگر از برنامه نیمه کارشان برای براندازی و تجزیه ایران اسلامی مناسب ببینند؛ فتنه‌ای دیگر را استنارت بزنند؛ فتنه‌ای که با آشوب و تلاش برای راه انداختن جنگ خیابانی همراه بود و در مدت‌زمان کوتاهی به شهادت بسیاری از مردم و نیروهای امنیتی منجر شد و خسارات جبران‌ناپذیری را به زیرساخت‌های شهری، دولتی و حتی پایگاه‌های امدادی، بیمارستان‌ها، خودروهای امدادی هلال‌احمر و آمبولانس‌های وزارت بهداشت و ماشین‌های آتش‌نشانی وارد کرد.

این آسیب‌ها اما در عین حال اثبات‌کننده این بود که با یک فتنه سازمانده‌ی شده مواجهیم و این ماجرا با اعتراضات بحق مردم به مسائل معیشتی فاصله‌ی معنادار دارد.

با تمام اینها این بار برخلاف فتنه‌های قبلی زنان محور اصلی شعارها و اعتراضات خیابانی نبودند؛ ماجرای که شاید بیش از هر چیز دیگر نشان دهنده شکست جریان «زن، زندگی، آزادی» باشد؛ جریانی که حالا حتی دختران جوانی که ممکن است در چنین ماجراهایی هیجان‌زده شوند و فریب مزدوران دشمن را بخورند، دیگر تحت لوای آن به میدان نمی‌آیند و این جنبش به مرگ مطلق دچار شده است.

■ بلوغ زنان ایران

بدون شک یکی از اصلی‌ترین دلایلی که موجب شد

این بار شعارهای اغتشاشگران و آشوبگران از روی موضوع زنان برداشته شود، این بود که دریافتند جامعه زنان ایرانی از رهگذر جنبش «زن، زندگی، آزادی» و رخدادهای پس از آن به خصوص جنگ تحمیلی ۱۲روزه علیه کشورمان به آنچنان بلوغی رسیده‌اند که خود را ابزار دکتربین براندازی و تجزیه ایران زمین نخواهند کرد.

بر همین اساس هم در حماسه ۲۲دی شاهد آن بودیم که بخش عمده‌ای از مردمی که برای نقش برآب کردن خواب آشفته دشمن به منظور شکست و تجزیه ایران‌زمین به میدان آمده بودند، همین زنان و دختران ایرانی بودند که با هر عقیده و پوششی به حضوری پرصلابت برای دفاع از جمهوری اسلامی آمدند و حماسه‌ای بزرگ خلق کردند.

این فتنه هر چند در امتداد جنگ ۱۲روزه و مرحله‌ای دیگر از آن بود اما تجربه شهادت و به خاک و خون

۶۶

یکی از اصلی‌ترین دلایلی که موجب شد این بار شعارهای اغتشاشگران و آشوبگران از روی موضوع زنان برداشته شود، این بود که دریافتند جامعه زنان ایرانی از رهگذر جنبش «زن، زندگی، آزادی» و رخداد‌های پس از آن به خصوص جنگ تحمیلی ۱۲روزه علیه کشورمان به آنچنان بلوغی رسیده‌اند که خود را ابزار دکتربین براندازی و تجزیه ایران زمین نخواهند کرد

کشیدن هموطنان‌مان در آن ۱۲روز همه مردم و به خصوص زنان و دختران را آگاه کرد که شعارهای صورتی «زن، زندگی، آزادی» پوششی برای صورتی‌شویی اهدافی است که در لوای این شعارها و با استفاده ابزاری از نام زنان طرح‌ریزی می‌شود اما در نهایت همین جنبش‌ها حتی به گودکان و دختر بچه‌ها هم رحم نمی‌کنند. همچنانکه بسیاری از قربانیان حوادث اخیر زنان و حتی دختران خردسال بودند.

این بار اما قاپبه زنان و دختران کشورمان آگاه شده‌اند که شعارها و ژست‌های صورتی اپوزیسیون خارج‌نشین و جنایات‌کارانی همچون ترامپ و مزدورانش فقط و فقط برای توجیه جنایت، تجاوز، جنگ و ناامنی و بلعیدن ایران و منابع آن است، همچنانکه فقط چند ماه از حملات هوایی و کشتار مردم کشورمان از سوی امریکا و اسرائیل می‌گذرد و مردم جنایات خونین آن ۱۲روز را فراموش نکرده و فراموش نمی‌کنند.

■ تعداد قابل توجهی زن و کودک

آنطور که عباس مسجدی‌آرانی، رئیس سازمان پزشکی قانونی در خصوص جزئیات آمار قربانیان حادثه گزارش داده است، در حادثه دی ماه ۳هزار و ۱۱۷ نفر جانباخته داشتیم که تعداد قابل توجهی از آنان را زنان، کودکان و رهگذرانی که در این حادثه هیچ نقشی نداشتند، تشکیل می‌دهد.

مرضیه نبوی‌نیا؛ او پرستار جوان ۳۴ساله اهل شهر لاهیجان بود که در کلینیک درمانی امام سجاده(ع) (رشت) فعالیت داشت، وی در روز ۱۹دی ماه ۱۴۰۴ در حال کمک‌رسانی به بیماربان بود که به دلیل آتش زدن کلینیک از سوی اغتشاشگران، حاضر نشد بیماربان خود را که در حال درمان بودند (تزریق سرم) رها و محل را ترک کند. او پس از ترخیص آخرین بیمار از مرکز درمانی، به دلیل محاصره شدن در آتش، در اتاق پرستاران کلینیک به شهادت رسید. مرضیه دارای یک کودک سه ساله است. در این راستا جامعه پرستاری این اقدام اغتشاشگران را محکوم و شهادت همکار پرستار خود را یک جنایت عنوان کرد.

ملینا اسدی؛ در شامگاه ۱۸ادی ماه ۱۴۰۴، دختر بچه سه ساله‌ای به نام ملینا به همراه پدرش وارد خرید شیرخشک و داروی سرماخوردگی از خانه‌شان در شهر کرمانشاه خارج شدند. آنها قصد رفتن به داروخانه را داشتند، اما در مسیر برگشت ناگهان ملینا از سوی اغتشاشگران از پشت سر مورد اصابت گلوله قرار گرفت و به شهادت رسید.

آینلا ابوطالبی؛ او کودک هشت ساله از شهر اصفهان بود که در روزهای اغتشاشات به همراه خانواده خود به خرید بیرون رفت که از سویی اغتشاشگران مورد اصابت گلوله به شکم، چانه، پشت سر قرار گرفت و به شهادت رسید. طبق شواهد و اطلاعات مطروحه از سوی پزشکی قانونی، گلوله‌های شلیک شده، تیرهای جنگی اسرائیلی بوده‌اند.

بهار سیفی؛ دختر دو ساله نیشابوری که در آغوش برادرش به همراه مادر آمدند تا زباله را دور بیندازند اما به دست اغتشاشگران به شهادت رسید.

الهام زینعلی؛ او از پرستاران دلسوز بیمارستان امام علی(ع) در کرمانشاه بود که پنج‌شنبه شب هنگام رفتن به بیمارستان برای شیفت شب در میانه راه هدف حمله و تیرتورپرست‌ها قرار می‌گیرد و شهید می‌شود. اینها فقط بخشی از زنان و کودکانی هستند که در این اغتشاشات به شهادت رسیدند و نام‌شان جادوانه ماند.

۱۷ روی خطر زنان

افزایش تعداد اتاق‌های «مادر و کودک» تا پایان امسال



رئیس مرکز زنان و خانواده شهرداری تهران در سومین نشست فصلی مدیران این مرکز و مدیران مناطق بیست‌ودوگانه از افزایش تعداد اتاق‌های «مادر و کودک» تا پایان امسال خبر داد. وی با اشاره به اینکه احداث اتاق‌های «مادر و کودک» و «اتاق بازی کودک» در مناطق باید تسریع شود، ادامه داد: مطابق قوانین و الزامات به ویژه سند تحول چهارم مدیریت شهری، احداث ۱۲۰ اتاق «مادر و کودک» باید اجرایی می‌شده که متأسفانه مغفول مانده است و باید تا پایان امسال بخشی از آن اجرایی شود، همچنین ۱۱ اتاق «مادر و کودک» در ایستگاه‌های مترو وجود دارد که نیمی از آنها غیرقابل استفاده شده است و باید بهسازی و تجهیز شود.

«مناسب‌سازی معابر شهری» برای مادران و کودکان هم از جمله موارد مهمی است که مطابق سیاست‌های مدیریت شهری باید در اسرع وقت انجام شود.

تشکیل «کمیسیون کارت امیدمادر» با هدف تدوین فرایند اجرایی‌سازی



دبیر ستاد ملی جمعیت از تشکیل «کمیسیون کارت امید مادر» با هدف تبیین و تدوین فرایند اجرایی‌سازی این طرح خبر داد. طبق توضیحات مرزیه وحیددستجردی «کمیسیون کارت امید مادر» مدتی است تشکیل شده تا راهکار اجرایی را تبیین و تدوین کند. هر هفته جلسات برنامه‌ریزی به‌طور مستمر در حال برگزاری است تا با همکاری دستگاه‌های ذی‌ربط

فرایند اجرایی‌سازی طرح به بهترین شکل طراحی شود. وی هدف این طرح را کمک به حل مشکلات در سال‌های آغازین تولد کودک و کاهش بار اقتصادی از دوش خانواده‌ها عنوان کرد و افزود: «این طرح به لحاظ روحی به خانواده می‌گوید ما کنار شما هستیم. امیدواریم نمایندگان مجلس هم در راستای تحقق آن به ما کمک کنند تا مردم بداندن مجلس و دولت کنار آنها هستند.»

۱۷ کتاب زنان

زن، انگیزه زندگی‌من



کتاب «زن، انگیزه زندگی‌من» نوشته ندا امیدجیوان اثری تأثیرگذار در حوزه شناخت زنان است که با نگاهی تحلیلی و همدلانه به تجربه‌های واقعی زنان ایرانی می‌پردازد. این کتاب با ترکیب روایت‌های شخصی و تحلیل‌های روان‌شناختی می‌کوشد لایه‌های پنهان انگیزه‌ها، چالش‌ها و توانمندی‌های زنان را در نقش‌های مختلف خانوادگی و اجتماعی آشکار کند. کتاب حاضر نه‌تنها یک پژوهش اجتماعی است، بلکه راهنمایی برای درک عمیق‌تر روابط انسانی و افزایش خودآگاهی نیز به شمار می‌آید.

■ درباره کتاب «زن، انگیزه زندگی‌من»

نداامیدجیوان در کتاب زن، انگیزه زندگی من با تکیه بر مصاحبه‌های میدانی و تجربه‌های زیسته، به دنیای درونی زنان و پیچیدگی‌های زندگی آنان نزدیک می‌شود. ساختار کتاب بر اساس موضوعات مختلف تنظیم شده و موقعیت‌هایی همچون زندگی در کنار همسران سختکوش، تجربه مادران تنها و چالش‌های هماهنگی میان خانه و کار را بررسی می‌کند.

نویسنده این روایت‌ها را با بهره‌گیری از چارچوب‌های علمی، از جمله نظریه دلبستگی و روان‌شناسی شناختی، تحلیل می‌کند تا ریشه‌های انتخاب‌ها و رفتارهای زنان را در بستر فرهنگی و اجتماعی روشن سازد. هدف کتاب زن، انگیزه زندگی من ارائه تصویری چندبعدی و بی‌طرفانه است؛ تصویری که هم تاب‌آوری زنان را برجسته می‌کند و هم به آسیب‌پذیری‌های آنان توجه دارد.

■ کتاب زن، انگیزه زندگی‌من برای چه کسانی مناسب است

– کسانی که به دنبال درکی عمیق‌تر و علمی‌تر از دنیای درونی، انگیزه‌ها و چالش‌های زنان در جامعه امروز ایران باشند.

– کسانی که خود را در نقش‌های پیچیده خانوادگی یا اجتماعی مانند همسری، مادری تنها یا زن شاغل ببینند و به دنبال بینشی روان‌شناختی و امکان‌همذات‌پنداری باشند.

– دانشجو یا علاقه‌مند به حوزه‌های مطالعات زنان، روان‌شناسی خانواده یا جامعه‌شناسی.

– کسانی که به روایت‌های واقعی از زندگی، تاب‌آوری و مسیر رشد فردی علاقه دارند.

– کسانی که به عنوان یک مرد، می‌خواهند شناخت عمیق‌تری از دنیای عاطفی و اجتماعی زنان مهم زندگی‌شان مانند همسر، مادر یا خواهر به دست آورند.

■ بخشی از کتاب زن، انگیزه زندگی‌من

صبح زود است. ساعت هنوز از ۷صبح نگذشته و فریده در آشپزخانه مشغول درست کردن صبحانه است. در حالی که نان‌ها را در دستگاه تستر می‌گذارد، جای بر روی گاز به جوش می‌آید. دخترش، آیدا از خواب بیدار شده و صدای قدم‌هایش از اتاق به گوش می‌رسد. فریده، همزمان که به آیدا یادآوری می‌کند که باید لباس‌های مدرسه‌اش را بپوشد، به ساعت نگاه می‌کند و متوجه می‌شود باید در عرض نیم‌ساعت به محل کارش برسد.

مردانه و آرام، اما سریع.

او باید در این چند دقیقه تمام کارهایی را که هر مادری باید انجام دهد، بکند.

باید بچه‌ها را آماده کند، غذاها را بموقع بپزد، اتاق‌ها را مرتب کند و هم‌زمان فکر کند که آیا همه گزارش‌ها را برای جلسه امروز آماده کرده است؟

آیا برای صحبت با مدیرش آماده است؟ چه چیزی را باید در اولویت قرار دهد؟

ساعتی بعد، فریده در دفترش نشسته است. چشمانش کمی از خواب کم دارند، اما باید تمام انرژی‌اش را جمع کند. در کنار گزارش‌های اقتصادی، مشتریان و جلسات، ذهنش به خانه و بچه‌ها می‌رود، حتی در این لحظات، ذهنش نگران است که آیا امروز به اندازه کافی به بچه‌ها رسیده است؟

آیا همسرش، رضا که خودش یک پزشک پر مشغله است، کارهای خانه را به‌خوبی انجام داده است یا نه؟ این روزهای شلوغ و پراسترس، زندگی روزمره‌اش شده است.

اما همیشه برای فریده، مانند بسیاری از زنان شاغل، سؤالی بزرگ وجود دارد: «چگونه می‌توان همسر خوب، مادر نمونه و حرفه‌ای موفق بود؟ چگونه می‌توان تمام این نقش‌ها را به‌طور همزمان بازی کرد بدون اینکه خود را فراموش کرد؟»